



چاره‌ای نیست باید آفریقا را انجیلی کرد

گفت و گو با اسقف آمده کرب رییس شورای اسقف‌های اروپا و آفریقا

- ترجمه مهرداد ملکان

دهم تا سیزدهم نوامبر ۲۰۰۴ نخستین همایش اسقف‌های آفریقا و اروپا برگزار شد که به همت شورای اسقف‌های اروپایی و سمپوزیوم کنفرانس‌های اسقفی آفریقا و ماداکاسکار سازماندهی شده بود.

در گفت و گوی حاضر، اسقف آمده کرب (Amedee Grab) اسقف شهر شور، واقع در سوئیس و رییس شورای اسقف‌های اروپایی، برخی از پیشنهادهایی را که در این همایش، در پرتو چالش‌های موجود بر سر راه مذاهب در آفریقا به وجود آمد را مطرح کرد.

این شیوه عمل و استدلال هستیم. هنوز هم نوع دوستی و بشر دوستی وجود دارد که سعی دارد افزایش جمعیت افراد بشر را محدود کند تا همه آنها بتوانند زندگی کنند و غذا بخورند. این ایده که از یک مفهوم تحریف شده مربوط به نیکوکاری و احسان یا خیر عمومی نشأت می‌گیرد هنوز هم در تمام سطوح، از جمله در زندگی فردی و خصوصی مشاهده می‌شود.

مثلاً، در ارتباط با سقط جنین، اگر پیش‌بینی شود که وجود کودکان هنوز به دنیا نیامده، مصیبت‌بار خواهد بود و موجب رنج همگان و خود آنان خواهد شد، به چه دلیل می‌توان گفت که به دنیا نیامدن آن کودکان بهتر از به دنیا آمدنشان خواهد بود؟ اگر از تولد چنین طفلی، از روی نیکوکاری و نوع دوستی، جلوگیری شود، طبق این منطق نامتعالی می‌توان گفت که اجازه دادن به این که بز تعداد مردمان دچار سوء تغذیه افزوده شود کار نابخشودنی است. مردمانی که بیمار و ناتوان بوده و دچار انواع و اقسام مشکلات خواهند شد.

در بین اهداف سمپوزیوم "شناخت بیشتر مسئولیت مشترک همگان در اشاعه انجیل، تبلیغ مذهبی، برنامه کلیسا برای وضعیت جدید ناشی از یک جهان به هم پیوسته که با چالش‌های دین‌زدایی دست به گریبان شده است نیز وجود داشت. چگونه می‌توان مردم را با انجیل مانوس ساخت و آنان را در ارتباط با انجیل فرهیخته ساخت و پیام انجیل را به سراسر قاره آفریقا ابلاغ کرد؟

همه فرهنگ‌ها به انجیلی شدن نیاز دارند. قرن‌هاست، یا دست کم از زمان پاپ پل ششم به بعد، این ایده انجیلی کردن فرهنگ اقتصاد و... به قوت خود باقی است. من متعجب مسیحیان سالخورده را به یاد دارم که می‌گفتند: این کار غیرممکن است. من تنها افراد را می‌توانم با انجیل آشنا کنم. من چگونه می‌توانم فرهنگ یا اقتصاد را انجیلی کنم؟

این امکان وجود دارد که به مدد این شور و التهاب از طریق افرادی که اهل دینات مسیحی هستند، تعمق در این زمینه تحقق پذیرد و این عملی است که با پذیرش نقاط ضعف و تقابلی هر نظامی، انسان را به عمل کردن مطابق با طرح و برنامه عیسی، در موقعیت تدارک دین ملوکوت الهی، زهنمون می‌کند.

این ملوکوت هرگز در زندگی کنونی یا این جهان فانی تحقق نخواهد پذیرفت. ملوکوت الهی، در تمامیت خود و جلال و شوکت خویش، با ظهور عیسی در پایان زمان برقرار خواهد شد. اما در عین حال، انسان آنچه را که در

در موقعیتی که سازمان‌های وحدت‌بخش فعالیت دارند، این ضرب‌المثل بلرها و بارها تکرار می‌شود که انسان نباید به دادن یک ماهی به گرسنگان اکتفا کند، بلکه باید به آنان فن ماهیگیری را بیاموزد.

علاوه بر آن، حفر چاه‌های عمیق برای ایجاد امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی یک منطقه و خلاص کردن اهالی آن منطقه برای همیشه از قیود کمک‌های مکرر بلاعوض و کمک‌های مشروط، نیز نشانه مثبتی به شمار می‌رود.

اما نیاز به هموار کردن راه برای ایجاد همبستگی گسترده‌تر نیز در سخنرانی یکی از اسقف‌ها گوشه زد شد. او تأکید کرد که حتی اگر دیون بین‌المللی همه کشورهای آفریقایی نیز بخشوده شود، این قاره همچنان فقیر باقی خواهد ماند زیرا در مکالمه‌هایی که دوره به دوره موجب مقروض بودن این کشورها می‌شوند گرفتار مانده است. رهنمودی که اسقف اعظم جان اوانایکان، از ابوجا و رییس سمپوزیوم کنفرانس‌های اسقفی آفریقا و ماداکاسکار ارائه داده است عبارت است از تغییر دادن قواعد اقتصادی، بخشودن دیون یا اعطای پول کافی نیست. باید بازارهایی برای وارد کردن فرآورده‌های آفریقا داتر شود و نرخ برخی از داروها کاهش یابد.

بله، زیرا از یک سو، یارانه‌های بسیار مهمی داده می‌شود که ارزش آن‌ها به میلیارد دلار بالغ می‌گردد و سپس از طریق خریداری کردن فرآورده‌های کشورهای آفریقایی به بهای ناچیز که امکان بقای کشورهای مزبور را فراهم نمی‌آورد جبران می‌گردد. من با یک کارشناس در این باره گفت و گو کردم و او گفت: تمام چیزهایی که ما ارائه داده‌ایم همین‌هاست.

او ارقام و نوع یارانه‌ها را مشخص کرد. من به سهیم خود پاسخ دادم: بله، اما ما چقدر دریافت کرده‌ایم؟ به عبارت دیگر ما مستقیم یا غیرمستقیم چقدر سود برده‌ایم؟

اگر از یک طرف، اتحادیه اروپا در کشورهای آفریقایی سرمایه‌گذاری کند و قراردادهای اقتصادی منعقد نماید و از سوی دیگر تصمیم کند که مایل است ۷۵ میلیون دلار به صندوق جمعیت سازمان ملل متحد اهدا نماید، که برای تهیه وسایل جلوگیری از حاملگی و ابزارهایی جهت تنظیم باروری، سرمایه‌گذاری خواهد شد، وسایلی از قبیل دستگاه‌های مربوط به سقط جنین و... آیا در این خط‌مشی نوعی ابهام مشاهده نمی‌کنید؟ ما هنوز هم شاهد تضاد و تناقض یا ماهیت احمقانه

شما در سخنرانی خود گفتید که غلبه بر مساله گرسنگی در آفریقا "روایی" بیش نیست. آیا معتقدید که به فراخوان شما در این سمپوزیوم، پاسخ‌های عینی داده شده است یا خیر؟ اطلاعات زیادی در این همایش عرضه شد که بذل توجه به این مساله را از سوی نهادهای متعددی، متجلی ساخت.

من به سخنرانی اسقف فرناندو شاریه رییس بنیاد عدالت و همبستگی، می‌اندیشم که به خوبی توضیح داد که چگونه اسقف‌های ایتالیا از دعوت پاپ، در مراسم بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این بنیاد استقبال کرده‌اند.

موضوع این دعوت، صرف‌نظر کردن از اخذ بازپرداخت وام‌های خارجی توسط کشورهای فقیر بود. آنان به جای موعظه کردن و گفتن این که این نوعی وضع اضطراری در ارتباط با صلح و آینده بشریت است، دو کشور را که یکی از آن‌ها گوینه گوناگری و دیگری زامبیا است، انتخاب کردند و لغو دیون این دو کشور به دولت ایتالیا را پیشنهاد نمودند.

منظور از این پیشنهاد، بخشودگی کل دیون آن کشورها نبوده است، زیرا چنین کاری امکان‌پذیر نخواهد بود. اما آنان موفق شدند که بالغ بر ۱۰ درصد از دیون آنان را مشمول بخشودگی قرار دهند و برای انجام این کار از مومنان ایتالیایی استدلال طلبیدند و طولی نکشید که ۱/۵ میلیون یورو برای این منظور گردآوری کردند.

کشورهای مقروض که خواستار لغو دیون خود شدند از این طریق، توانستند از این پول در راه اعتلای فعالیت‌هایی که در مسیر وحدت، همبستگی، توسعه و پیشرفت صورت می‌گیرد استفاده کنند.

کل این امر مشروط بر آن است که آنان به این گفته که این وسیله‌ای برای رفع مشکل استه بیابیم گذشته را به کلی، از زندگی خود بزداییم. اکتفا نکنند و آن گاه بار دیگر در همان شرایط سابق، کاری را شروع نکنند که موجب وام گرفتن آنان شده و بر دیون آنان بیفزاید. اما مثال‌های دیگری نیز در مورد همکاری با اسقف‌های آفریقایی یافت می‌شود.

در کشور خود من یعنی سوئیس، ۲۵ سال است که این نوع همکاری جریان دارد نه فقط به قصد از بین بردن لوضاع و شرایط مصیبت‌باری، همچون موارد وقوع سیل، خشکسالی و زمین‌لرزه، بلکه به منظور امکان دادن به کسانی که کمک‌های نقدی و جنسی دریافت می‌کنند تا روزی در آینده روی پای خود بایستند و به خودکفایی برسند.

است که در رم یا یکدیگر ملاقات کنند تا در هر نقطه دیگری در افریقا، بازاریابی، توع و گوناگونی موقعیت‌ها و مکان‌ها در روزهای برگزاری سمپوزیوم بروز نکرد. البته یک اسقف که در یک حوزه اسقف‌نشین، مسئولیت صلحا کاتولیک را به عهده دارد، آن هم در بین سه میلیون جمعیت مسلمان، همانند اسقفی که در رواندا یا نیجریه به سر می‌برد، زندگی نمی‌کند.

علاوه بر آن، کوشش شد که بر آنچه که می‌تواند مسأله برانگیز باشد، پافشاری نشود زیرا با توجه به شور و شوقی که در این مجتمع به چشم می‌خورد، چنین ناگهانی اینجا و بی‌مناسبت جلوه می‌کرد و همین قضیه در بیانیه نهایی سمپوزیوم نیز انعکاس یافته است. هیچ اسقف اروپایی حتی خواب آن را نیز نمی‌بیند که در پایان همایش بتوانند که کشیشانی افریقایی هستند که برای مطالعه به سان ما می‌آیند و بعداً باز نمی‌گردند زیرا جراتش را ندارند. هیچ اسقف افریقایی نیز حتی خواب آن را نیز ندیده است که او برخی از مبلین مذهبی اروپایی در افریقا، یا چیزهایی از این قبیل، انتقاد کند یا گله داشته باشد که آن‌ها با خود کامیگی عمل می‌کنند و رفتاری قبیح مآلله دارند. هیچ تمایلی به سخن گفتن درباره این قضایا وجود ندارد زیرا با پیشرفتی که کلیساهای یونان در افریقا حاصل کرده‌اند بر این مسأله فائق آمده‌اند و اجزاء ذهنیت‌های اروپایی‌ها پس از شروع نیز دلیل دیگر آن است هر چند که همیشه مشکلاتی در بین هست. وانگهی، هر کس که یک پروژه عظیم را طرح‌ریزی می‌کند دست‌های خود را از مسائل محلی و بومی خویش نمی‌شوید چراکه این مسائل باید مورد بحث قرار گیرند و فیصله یابند.

اطلاع یافتیم که بحث‌ها و جدل‌های خودجوشی نیز در طول دوره‌های تنفس به عمل آمد.

بلام استعدادهای و موهبت‌های الهی که به نمایش درآمده و به سهم خود جلوه‌گر می‌شدند متنوع بودند بسیار خوب شد که اسقف‌های افریقایی اندکی از آن خودجوش بودن و نشاط قاره و اقوام خویش را برای ما به ارمغان آوردند آن هم در بجهت‌ها این همه مشکلاتی که وجود دارد. از نظر ما که اغلب اوقات بیش از اندازه جدی هستیم و به سایرین اعتماد نمی‌کنیم جای شگفتی است که بتوان بر احوان اسقف را دید که تا این اندازه پذیرای شادی و نشاط و جاری صبر و شکیبایی هستند. از برای نهایی من از این سمپوزیوم، غیر از آن که موضوعات مورد بحث از هر حیث مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته آن است که این سمپوزیوم منشأ شادی عمیقی بوده است زیرا شادی و نشاط نشانه عشق به پروردگار است و دیگر آن که جوی که در آن، در لحظات دعا خواندن و تعوی و هنگام صرف نهار یا شام که با یکدیگر ملاقات می‌کردیم، وجود داشت واقعا همان چیزی بود که ما طلب می‌کردیم.

ایا در ارتباط با افریقا دارای یک تجربه شخصی هستید که بخواهید آن را با ما در میان بگذارید یا آن که هیچ گونه گزارشی وجود داشت که بطور خاص شما را تحت تاثیر قرار داده باشد؟

من افریقا را از خلال آنچه می‌خوانم و می‌شنوم می‌شناسم و با مسئولان تبلیغات مذهبی خویش و با کسانی که از آنجا بازگشته‌اند تماس‌هایی دارم. به عنوان نمونه در حوزه اسقف‌نشین متعلق به من، کشیشی که یک سال قبل در گذشته مدت چهل سال بود که در افریقا ریاست سمینارهایی را به عهده داشت و کلاس‌های آموزشی دایر کرده بود و در خصوص تاریخ مذهب در افریقا رساله‌هایی کامل به رشته تحریر درآورده بود. برخی تجربیات زندگی او بر من تأثیر گذاشت. ده سال پیش، پس از جنگ و برادر کشی در رواندا، یک روحانی جوان به دیدن من آمد و خواستار کمک شد و به من گفت که چگونه با چشمان خود گشته شدن همه خوشنودن‌ان و برادران و خواهران خود را دیده است. او یگانه بازمانده آن گروه از خوشنودن‌ان بود.

حضور مردی جوان در خانه من که شاهد مرگ خشونت‌بار و هولناک حدود ۵۰ نفر بوده است نکته‌های بسیاری به من آموخت. آنچه بیش از ماجراهای دیگر بر من تأثیر نهاد، عزم و اراده او برای مداومت و از کوشش دست برداشتن در راه دین عیسی و همچنین این واقعیت بود که وی همه کسانی را که موجب این مصیبت شده بودند عفو کرده بود.

ایده به وجود خواهد آمد اکنون می‌سازد و بنز آن را می‌افشاند و مبلغ انجیل با دیدن جنبه‌های مثبت هر فرهنگی و همچنین با آشکار ساختن محدودیت‌ها و تضادهای هر وی آن می‌کوشد که در پرتو روشنایی بخش انجیل، آن را اصلاح کند.

ما چنین چیزی را در تاریخ کلیسا می‌بینیم. پولس قدیس به بزدگان رهنمود می‌دهد که از سروران خود اطاعت کنند و از این رو، او لغو کامل برده‌داری را تبلیغ نمی‌کند. یا این همه او با تبلیغ انجیل، در قلوب و اعصاب مردم بند نیرویی را می‌افشاند که پس از توضیح یافتن خواهد توانست بر برده‌داری به طور کامل فائق آید. این گفتمان برای هر روشی دیگر جامعه بشری معتبر است.

بدون انجیل، خانواده در هیچ نقطه‌ای از دنیا تقدیس نمی‌گردد. در مذاهب سنتی مردم افریقا ارزش‌های پائینی که تداوم جامعه و فرهنگ را در کشورهای افریقایی تضمین کرده‌اند، ولو آن که دچار محدودیت‌های بیشتری باشند وجود دارند. اینجاست که انجیل به درون فرهنگ‌ها رخنه می‌کند و به بخش تفکیک‌ناپذیر آن مبدل می‌شود و سبب می‌شود که انسان به روشی متفاوت این ارتباط را تجربه کند.

بنابراین، انجیلی کردن جامعه بر مبنای این واقعیت که مناسبات میان افراد بشر به هیچ وجه کامل و بی‌نقص نیستند ارزش و اعتبار پیدا می‌کند که میراث فرهنگی یکی از دلایل آن است. از این رو، تمامی روابط میان افراد بشر باید از آلودگی‌ها، کاملاً پاک گردد و مورد بازنگری قرار گیرد.

این سمپوزیوم، بیش از آن که در مورد مساعدتی که اروپا می‌تواند به افریقا بکند بحث نماید تصمیم گرفت که شیوه‌های جدیدی برای همکاری و اشتغال و قالب‌های تازه‌ای از مرادها با قاره افریقا را ابداع کند. به عقیده شما قاره افریقا به سهم خود چه کمکی می‌تواند به دنیای قدیم (اروپا)،

از نظرگاه انسانی و نیز از دیدگاه فرآیند اشاعه انجیل، به عمل آورد.

در این مورد به ویژه در کمیته‌های اجرایی، بحث و جدل فراوانی به عمل آمد و نتایج این مباحثات هنوز به سبب فقدان فرصت گزارشی نشده است.

این موضوع در کلون مباحثات قرار داشته البته نه تا آن حد که این عصر نوین تبلیغات دینی را کمال مطلوب جلوه دهد - عصری که در آن افریقا کشیش‌هایی را برای ما اعزام می‌دارد حال آن که در بین ما اروپایی‌ها هم تعداد کشیشان از حد کفایت بسیار کمتر است - بلکه تا آن اندازه که محدودیت‌های این دوران جدید را مشخص سازد و مشکلات آن را نیز مشاهده نماید. درخصوص اروپا، سخاوت و تشریک مساعی بی‌دریغی که افریقایی‌های در حال پرورد به اروپا می‌توانند ارائه دهند به رسمیت شناخته شده است.

در بنو ایرو، عده‌ای می‌پنداشتند که آنان برای آن که از مشکلات شدید زندگیشان کاسته شود به اینجا می‌آیند اما سپس، با گذشته زمان، به یمن کوشش کشیشان صریح‌اللحن ولیکن دارای ریشه در دریافت و آکنده از شور و شوق مردم پس بردند که این تشریک مساعی می‌تواند بسیاری از محظوظها و محافل روحانیون را از دلمزدگی برهاند و روح تازه‌ای در آن محافل بدمد. یک روحانی نیجریه‌ای درباره این قضیه به وضوح هر چه تمام‌تر سخن گفت و همچنین پیشنهاد کرد که حضور روحانیون افریقایی در بیمارستان‌ها و خانه‌های سالمندان افزایش یابد تا از این طریق تلاقی، شادابی و صمیمیتی که بر اثر تشریک مساعی عمیق مسیحیت در این گونه محافل پدید می‌آید احساس گردد.

مسائلی که مورد بررسی قرار نگرفتند یا به سبب کمبود وقت موقتا مسکوت گذاشته شدند، کدام‌ها هستند؟

امکان نداشت بتوان درباره همه مسائل بحث کرد زیرا افریقا قاره‌ای بسیار متنوع است بنابراین هنگامی که اسقف‌های افریقا همگی با یکدیگر ملاقات می‌کنند، اغلب اوقات می‌کوشند در رم نیز همین کار را بکنند. به خاطر دارم یازده سال قبل، هنگامی که باب به ضرورت تشکیل مجمع ویژه گردهمایی اسقف‌های افریقا اشاره کرد و منظورش آن بود که رم محل این همایش باشد، در اروپا واکنش‌هایی ناشی از ناامیدی بروز کرد. آنان نمی‌توانستند درک کنند که چرا همه فعالیت‌ها در رم متمرکز شده است حال آن که بهتر بود که این مجمع در افریقا برگزار گردد. با این همه برای اسقف‌های افریقا در صورتی که عده آنان بسیار باشد بسیار آسان تر





چین و واتیکان به دیپلماسی پنهان روی آوردند

نمایندگان واتیکان برای حل مناقشات راهی چین شدند؛ سفری که مورد تکذیب قرار نگرفت اما تأیید هم نشد.

دو مقام ارشد واتیکان برای بررسی احتمال از سرگیری مجدد روابط دیپلماتیک به چین سفر کرده‌اند تا بر مناقشه برسر سنت واتیکان مبنی بر منصوب کردن اسقف‌ها توسط پاپ خاتمه دهند.

درحالی که پاپ بندیکت شانزدهم به کرات ابراز امیدواری کرده است که واتیکان و چین بتوانند به موضع‌گیری روشنی دست یابند، چرا که آزادی دینی در خدمت وی به عنوان پاپ از موضوعات مبرم بوده است، کشیش "برناردو سرولرا" رییس سازمان خبری آسیا نیوز که یک مؤسسه خبری مسیحی است، در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس گفت: "فکر می‌کنم واتیکان چندان به موفقیت این سفر امیدوار نیست، اما این امر حائز اهمیت تلقی می‌شود که راهی برای پیگیری گفت‌وگو باز شده است."

سفر این مقامات واتیکانی به چین همچنین توسط یک روزنامه هنگ کنگی گزارش داده شد، اما وزیر امور خارجه چین آن را تأیید نکرد. در این میان "واکین ناوارو والس" در بیانیه‌ای یک خطی و نامتعارف گفته بود: "هیچ نظری در این رابطه ندارم." درحالی که وی گزارش این سفر را تکذیب نکرده بود، اما تحلیل‌گران آن را به مثابه تأیید این سفر تعبیر کرده‌اند. سازمان خبری "آسیانیز" که به واتیکان و کلیسای کاتولیک چین نزدیک است اعلام کرد: «کشیش کلودیو سلی، یکی از دیپلمات‌های واتیکان و کشیش جیوفرانکو روتا گراسیوسی از مقامات وزارت کشور واتیکان دو روز در پکن اقامت داشته‌اند».

روابط واتیکان و چین از سال ۱۹۵۱ پس از آنکه دولت کمونیست چین به قدرت رسیده قطع شد. اکنون نیایش کاتولیک‌ها تنها در کلیساهای دولتی این کشور مجاز محسوب می‌شود؛ اما بسیاری از کاتولیک‌ها در کلیساهای زیرزمینی که به رم وفادار است، شرکت می‌کنند. واتیکان اخیراً اشتیاق خود را برای حل مسئله خود با چین و تبادل رابطه دیپلماتیک از تایوان به چین نشان داده است. چین مدعی شده که تایوان بخشی از قلمرو آن محسوب شده و از ارتباط با هر کشوری که تایوان را به رسمیت می‌شناسد، امتناع کرده است. این در شرایطی است که واتیکان تنها دولت اروپایی است که با تایوان رابطه دارد. اسقف اعظم جیوانی لاپولو، وزیر امور خارجه واتیکان در ماه می، موضع‌گیری واتیکان را اعلام کرد و گفت: "به نظر می‌رسد مقر پاپ خواسته خود را به وضوح بیان کرده است."

یکی از موانع از سرگیری روابط واتیکان و چین این است که چه کسی باید از حق انتصاب اسقف‌ها برخوردار باشد.

کلیسای کاتولیک دولتی چین که همان انجمن میهن دوستان کاتولیک چین محسوب می‌شود، اخیراً بدون اجازه رسمی واتیکان دو اسقف را منصوب کرد. واتیکان نیز علاوه بر آن دو اسقف، دو اسقفی که این مراسم را اجرا کرده بودند را تکفیر کرد. واتیکان در سراسر جهان، از دخالت دولت‌ها در انتخاب سلسله مراتب کلیسای کاتولیک امتناع کرده، اما در این میان برخی موارد استثنایی نیز وجود دارد. ویتنام، از دیگر کشورهای کمونیست آسیایی است که اسقف‌ها پس از مشورت با دولت انتخاب می‌شوند.

آسیانیز در این میان عنوان کرد: «موضوع برقراری روابط واتیکان و چین به واسطه مجازات کلیساهای زیرزمینی در چین که به پاپ وفادار هستند و دستگیری چندین کشیش بفرنج تر شد.»

این سازمان خبری افزود: «به وضوح آشکار است که از ابتدای آغاز فعالیت پاپ، واتیکان به دنبال برقراری ارتباط دیپلماتیک با چین بوده تا از این فرصت به عنوان ابزاری برای آزادی کامل کلیسا در سرزمین چین سود ببرد».

پاسداشت آغازین روز تدریس بودا

بوداییان سراسر جهان روز ۱۰ ژوئیه (۱۹ تیر) را به عنوان روز دارما و آغاز آموزش تعالیم و آموزه‌های بودا جشن گرفتند.

واژه دارما را می‌توان به "حقیقت" ترجمه کرد که در مورد راهی به کار می‌رود که به سوی روشننگری است. این واژه همچنین برای اطلاق به قانون و نظام گیتی از نظر مادی، معنوی و اخلاقی به کار می‌رود. اولین تدریس بودا به پنج شاگرد اصلی خود به نخستین گردش چرخ دارما شهرت دارد. در دوران باستان، زمانی که آیین بودا ظهور کرد، هشتمین ماه قمری در تقویم سنتی هندی را روز دارما نام گذاری کردند.

در این زمان بودا و راهب‌ها و راهبه‌های وی سبک زندگی خود را که چون عشایر همواره در سفر بودند ترک کردند و تا زمانی که فصل باد و باران تمام شود، در یک مکان مشخص ساکن شدند و از این زمان برای مدیتیشن و تعمق استفاده کردند.

در پایان این زمان، آن‌ها سفر خود را در پیش می‌گرفتند و آموزش‌های بودا را به علاقه‌مندان ارائه می‌کردند. بوداییان روز دارما را فرصتی برای ابراز قدردانی خود نسبت به بودا و دیگر آموزگاران روشننگری می‌دانند که دانش خود را با دیگران سهیم شدند.

روز دارما بر اساس آموزه‌های متون مقدس بودیست، جشن گرفته و به عنوان فرصتی برای تعمق درباره محتوای این متون مقدس در نظر گرفته می‌شود.